

در دانشگاه چه اساتیدی حضور داشتند؟

از جمله اساتید ما احمد ضابطی جهرمی و شهاب عادل بودند.

در دانشگاه با چه هنرمندانی هم‌دوره بودید؟

بیشتر با تئاتری‌ها در ارتباط بودم و خیلی‌ها فکر می‌کنند من دانشجوی تئاتر بوده‌ام. با حسن معجونی، سیامک صفری، فرشاد محمدی، امیرحسین ندایی، کوروش نریمانی، لعیا زنگنه، پرویش نظریه و چند نفر دیگر ارتباط داشتم.

آیا با کارگردانان جوان و مستعد آن دوران مثل نریمانی، یعقوبی و دیگران همکاری داشتید؟

بله، در دانشگاه با آن‌ها کار کردیم و با کوروش نریمانی همکاری حرفه‌ای هم داشتم. تقریباً در بیست سال گذشته هر سال در یک نمایش بازی کرده‌ام و در سال‌های بعد نیز به گروه فرهاد آئیش پیوستم.

در سال‌های اخیر شاهد همکاری شما با جوان‌هایی مانند نصیر ملکی بودیم و در کارهای تجربی و متفاوت تئاتر نیز فعالیت‌های شما چقدر گسترش یافته است؟

بله، با جوان‌ها و نسل میانه و همچنین با پیشکسوتانی مثل محمد رحمانیان نیز همکاری کرده‌ام.

چگونه با مجموعه «ساعت خوش» همکاری کردید؟

در دوران دانشجویی در کارهای کم‌دی فعالیت می‌کردم و هم‌دوره‌ای به نام سودابه مردیان داشتم که در نمایش باغ گیلاس نقش مقابل مهران مدیری را بازی کرده بود. در آن زمان، نوروز ۷۲ برنامه روی آنتن بود و مدیری علاوه بر بازی، در بخش نویسندگی و ایده‌پردازی به گروه کمک می‌کرد. در این دوران، مدیری تصمیم به تشکیل گروه گرفت و مردیان من را به او معرفی کرد و این نقطه آغاز همکاری من با مهران مدیری شد.

از چه زمانی این شخصیت نام‌آشنا، مهربان، مودب و ساده‌دل که در کارها ارائه می‌کنید شکل گرفت؟

این شخصیت به‌طور ناخودآگاه شکل گرفت و من هرگز قصد نداشتم عمداً چنین کاراکتری را خلق کنم.

در زمینه زوج‌سازی در آن سال‌ها، شما در کنار بازیگرانی مثل طیبه ابراهیم، فلامک جنیدی و آتیه جاوید جزو بازیگران موفق بودید. این روند چگونه شکل گرفت؟

نه تنها در «ساعت خوش»، بلکه در تمام آثاری که با مهران مدیری کار کردم، این روند موفق بود و نکات آموزنده زیادی داشت. همه این پروژه‌ها درست مانند یک کارگاه تمرین بازیگری بودند؛ در طول روز نویسندگان در کنار بازیگران مشغول نوشتن بودند و بازیگر باید تا عصر چهار شخصیت متفاوت را اجرا می‌کرد. در این فرآیند، بداهه‌سازی، تمرکز و استفاده از موقعیت در لحظه ابزار اصلی بازیگری بود و اصلاً نمی‌شد از قبل روی چنین فرایندهایی فکر کرد یا برای آن برنامه‌ریزی داشت. این روش باعث می‌شد مهارت بازیگر در لحظه و توانایی واکنش به موقعیت‌ها شکل گیرد و تمرین‌های روزانه تجربه‌ای بی‌نظیر برای رشد بازیگری فراهم می‌کرد.

دو دهه بعد، شما دوباره در مجموعه «شوخی کردم» تجربه بازی در کارهای آیتمی را داشتید. این تجربه چگونه بود؟

همه فرم‌ها و ساختارهای نمایشی و تلویزیونی به تناوب هر چند سال یکبار دوباره تکرار می‌شوند و سازندگان و کارگردان‌ها باز هم به سراغ آن‌ها می‌روند؛ در واقع دیگر ساختار و فرم کاملاً جدیدی اختراع نمی‌شود. نکته مهم، استفاده درست و آگاهانه از هر فرم و شیوه ساختاری است؛ اگر کارگردان صرفاً به تکرار مسائل گذشته بپردازد بدون خلاقیت، نتیجه کار چیزی تکراری و ضعیف خواهد شد. از طرفی، برای متن‌ها و شوخی‌هایی که مهران مدیری در «شوخی کردم» در اختیار داشت، بهترین فرمت، همان فرمت آیتمی بود. متن‌ها اغلب اجتماعی بودند و نگاه نقادانه اقتصادی و سیاسی در آن‌ها دیده می‌شد؛ هیچ قصه‌ای ظرفیت ندارد که بتوان همه این موضوعات حساس را در قالب یک داستان طولانی جا داد.

سبک کاری مهران مدیری در ساخت مجموعه «شوخی کردم» آیا نسبت به کارهای قبلی‌اش تفاوت‌هایی داشته است؟

میزان موفقیت مهران مدیری در «شوخی کردم» را باید از میزان استقبال مخاطبان سنجید. به‌شخصه به عنوان یک بازیگر اذعان دارم که از میان دوستان کارگردانی که در کارهای طنز فعالیت می‌کنند، مهران مدیری همیشه در کارهایش نوآوری و خلاقیت دارد و قابلیت‌هایش فراتر از آن چیزی است که در ساخته‌هایش می‌بینیم. البته سریال‌سازی در کشورمان همواره با حواشی همراه است که بحث‌های تولیدی و اقتصادی یکی از آن‌هاست. وجود این مسائل باعث می‌شود که همه عوامل نتوانند با تمام توان کار کنند و بحران مالی در بسیاری از تولیدات اثر منفی گذاشته است.

با مهران مدیری در سال‌های اخیر به تناوب و در کارهایی مثل «شوخی کردم» و «دوره‌می» همکاری داشته‌اید؟

به عنوان یک بازیگر به این مسئله اذعان دارم که در میان کارگردانی که در حوزه طنز فعالیت می‌کنند، مهران مدیری همیشه در کارهایش نوآوری و خلاقیت داشته و قابلیت‌هایش فراتر از آن چیزی است که در ساخته‌هایش می‌بینیم. مدیری شناخت بسیار خوبی از توانایی‌ها و قابلیت‌های بازیگران دارد و با همه آن‌ها در گذشته سابقه همکاری داشته است. بر اساس این شناخت، بازیگران هر کارش را انتخاب می‌کند و به‌نظم انتخاب‌هایش نیز همواره درست و حساب شده بوده است.

«شوخی کردم» یک کار آیتمی بود و باید توجه داشت که همه فرم‌ها و ساختارهای نمایشی و تلویزیونی به تناوب هر چند سال یکبار دوباره تکرار می‌شوند و سازندگان و کارگردان‌ها باز هم به سراغ آن‌ها می‌روند؛ در واقع دیگر ساختار یا فرم کاملاً جدیدی اختراع نمی‌شود. نکته مهم، استفاده درست و آگاهانه از هر فرم و شیوه ساختاری است و اگر کارگردان صرفاً به تکرار مسائل گذشته بدون خلاقیت بپردازد، نتیجه کار چیزی تکراری و ضعیف خواهد شد. به همین دلیل، در «شوخی کردم» موفقیت این بود که مدیری توانست از فرمت آیتمی به درستی بهره‌برد و با خلاقیت، متن‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در قالبی جذاب و مؤثر ارائه کند، چیزی که بدون این دقت و شناخت امکان‌پذیر نبود.

بازی در کارهای آیتمی سخت‌تر است یا بازی در کارهای سریالی؟

بازی در این دو شیوه کاری به دو قابلیت متفاوت نیاز دارد. کارهای آیتمی به ریزه‌کاری‌های زیادی نیاز دارند و بازیگر باید در مدت کوتاه، ویژگی‌های نقش خود را به مخاطب منتقل کند. در این مدت محدود، بازیگر مجبور است روی برخی از ویژگی‌های نقش تمرکز کند و آن‌ها را برجسته نشان دهد. در حالی که در کارهای سریالی فرصت بیشتری برای پرداختن به جزئیات شخصیت وجود دارد.

در سریال «زن بابا» شخصیتی که بازی کردید به شدت تحت تأثیر همسرش بود و واکنش‌هایش بر این اساس شکل می‌گرفت.

سعید آقاخانی بیش از بیست سال است که من و بازی‌هایم را می‌شناسد و این آشنایی حتی به قبل از «ساعت خوش» بازمی‌گردد. اولین همکاری من و سعید آقاخانی در یک کار تئاتر دانشجویی شکل گرفت؛ در آن پروژه، سعید برای من بازی می‌کرد و سایر بازیگران نیز به همین ترتیب. در چنین فضایی، سعید آقاخانی برای خلق شخصیت‌ها با توجه به دانش‌های ذهنی‌اش، بهترین بازیگر را برای هر نقش انتخاب می‌کرد.

از بازی در کنار کدام یک از پارتنرهایی که اشاره کردید، احساس رضایت بیشتری دارید؟

من و فلامک جنیدی بیش از هر عروس و داماد واقعی، نقش زن و شوهر را با هم بازی کردیم. با طیبه ابراهیم در «جنگ ۷۷» زوجی ساختیم که بسیار مورد توجه قرار گرفت. در «شهرزاد» نیز از این تجربیات برای ملموس‌تر کردن نوع روابط با پارتنرم نسیم ادبی استفاده کردم.

در سریال‌هایی مثل «سه، پنج، دو» و «گمشدگان» در قالب شخصیت‌های منفی و خاکستری تلاش کردید تا از قالب همیشگی شخصیت مثبت و مهربان فاصله بگیرید.

برای یک بازیگر جذابیت ندارد که همیشه در قالب یک الگوی ثابت و تکرارشونده بازی کند. من دوست دارم هر نقش جدیدی که برعهده می‌گیرم، بخش‌هایی از وجودم را به نمایش بگذارم که پیش از آن ارائه نکرده‌ام.

آیا در «سه، پنج، دو» از ابتدا همین نقش به شما پیشنهاد شد؟

کارگردان این نقش را به من پیشنهاد داد. البته در برخی سریال‌ها دعوت شده‌ام و نقش‌های تکراری پیشنهاد شده است. اما پس از خواندن فیلم‌نامه، ترجیح دادم نقش دیگری، هرچند کوچک‌تر، را بازی کنم.

مثال می‌زنید؟

در همان سریال «گمشدگان» که پیش‌تر اشاره کردم، نقش بزرگ‌تری از نظر مدت زمان به من پیشنهاد شده بود، اما من ترجیح دادم نقش منفی‌ای را بازی کنم که شخصیت دزد و فرصت‌طلبی دارد.

واکنش مخاطبی که به چهره مهربان شما عادت دارد، چه بود؟

چند نفر گفتند این نوع نقش‌ها به من نمی‌آید و عده‌ای هم تشویق کردند. اما مهم این است که تجربه‌ای جدید کسب کنم.

ترجمه کتاب با توجه به درآمد اندک و گاهی صفر، از چه موقعی برایتان جدی شد؟

این موضوع به این شکل نبوده که یک‌باره تصمیم گرفته باشم سراغ ترجمه بروم؛ شرایط به تدریج باعث شکل‌گیری این مسیر شد. من یک کتابخوان حرفه‌ای هستم و علاقه به مطالعه و شناخت عمیق متون، طبیعی‌ترین عامل ورودم به ترجمه بود.

آیا به خواندن همه نوع کتابی علاقه‌مند هستید؟

علاقه‌مندی‌های خاص خودم را دارم. ادبیات شامل رمان و شعر اولویت اولم هستند.

نویسندگان مورد علاقه شما چه کسانی هستند؟

کوندرا، ادبیات آمریکای لاتین (مارکز، یوسا، فونتنس) و تاریخ را هم دوست دارم. به خصوص خاطره‌نویسی و سرگذشت‌نامه‌نویسی و فلسفه. زمانی کتابی به زبان دیگری (غیر فارسی) می‌خواندم و هیجان‌زده می‌شدم که لذت خواندن این کتاب را دیگران هم تجربه کنند و شاید یکی از دلایل اصلی ورودم به ترجمه همین مسئله بود.

آیا به خاطر همین موضوع بود که زبان‌های فرانسه،

ایتالیایی و اسپانیایی را فرا گرفتید؟

با هدف ترجمه ترفتم به سراغ این زبان‌ها. هدف اصلی‌ام ارتباط‌گیری بهتر با رمانی بود که به این زبان‌ها نوشته شده بود و برایم دریچه‌ای بود به یک فرهنگ جدید. اولین کتابی که ترجمه کردم با این نیت نبود که این کار را ادامه بدهم.

آیا بر اساس سفارش ناشر ترجمه می‌کنید؟

هیچ‌وقت چنین کاری انجام نداده‌ام و به همین دلیل است که کتاب‌هایی را که ترجمه کرده‌ام اگر کنار هم قرار دهید، با تنوع ژانری مواجه خواهید شد و تمام آن‌ها برایم جذابیت داشته‌اند که سراغشان رفته‌ام.

شما به هر حال از راه ترجمه گذران زندگی نمی‌کنید و قدرت انتخاب برای ترجمه دارید؟

درست است. کسی که کارش ترجمه است معیارهایش متفاوت است و بر اساس سفارش یا این که فلان نویسنده نوبل گرفته کار می‌کند.

آیا شما به این موج سواری‌ها علاقه‌ای ندارید؟

من مترجم حرفه‌ای نیستم که به این سمت بروم. در بازیگری، چون کار اصلیم است، ممکن است کاری بازی کرده باشم که اعتقاد چندانی به آن نداشته‌ام و پیش‌آمده که مجبور شده‌ام بین پیشنهاد بد و بدتر انتخاب کنم.

در سال‌های اخیر در سریال‌هایی مثل «مهیار عیار» بازی کرده‌اید. آیا این نوع کارها جزو کارهای مورد علاقه‌تان بوده است؟

نمی‌خواهم ریز وارد ارزیابی کارهایم بشوم، اما سریال «مهیار عیار» را دوست داشتم و سریال قابل دفاع و آبرومندی بود. شرایط و شانس در موفقیت یا عدم موفقیت یک کار مؤثر است و پیش‌آمده در کاری بازی کرده‌ام و فکر کردم که کار فوق‌العاده موفق می‌شود، اما در حین پخش چنین اتفاقی رخ نداده است و برعکس، کاری که انتظار موفقیتش را نداشته‌اید مورد توجه مردم قرار گرفته است. البته همیشه استقبال تماشاگر ضامن کیفیت یک کار نیست.

آیا از فیلم‌های کم‌دی که این سال‌ها اکران شده‌اند و میان‌شان آثار پرفروشی هم بوده، پیشنهاد بازی داشته‌اید؟

بله، تقریباً اکثر این نوع پیشنهادها را رد می‌کنم. برخی از این آثار که کیفیت‌شان مطلوب نیست فروش‌های میلیاردری داشته‌اند و در مقابل، فیلم‌های شریف و خوبی هم بوده‌اند که مورد توجه مردم قرار نگرفته‌اند.

